

## بررسی جامعه‌شناختی نظم انسجامی

جعفر هزار جریبی<sup>۱</sup> و محمد رضا غلامی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۹/۱۵

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۳/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۰

### چکیده

**زمینه و هدف:** تحقیق حاضر با هدف مطالعه عوامل مؤثر بر نظم انسجامی در شهر رشت صورت پذیرفته است و تأثیر عواملی نظیر احساس بی عدالتی، احساس نا امنی و باورهای اخلاقی را بر متغیر نظم انسجامی مورد بررسی قرار می‌دهد. نظم، انسجامی است که معرف گونه‌ای از نظم است که در آن با حفظ تفاوت‌ها و تمایزات نوعی انسجام و همبستگی جمعی برای دستیابی به اهداف مشترک بر پایه خرد جمعی و همکاری بین افراد در فضایی عقلانی و منطقی شکل می‌گیرد؛ در حالی که در شکل دیگر نظم اجتماعی یعنی نظم انتظامی تأکید بر قدرت و حاکمیت وجود دارد و گونه‌ای از نظم که از طریق اعمال زور توسط نهادهای سیاسی اعمال می‌شود مورد نظر است.

**روش:** جامعه آماری این پژوهش را کلیه شهروندان شهر رشت تشکیل می‌دهد و روش پژوهش نیز از نوع پیمایشی است. پرسشنامه ای مرکب از تعدادی از سؤالات بسته میان چهارصد نفر از اعضای شهر رشت توزیع شده و یافته‌های پژوهش با استفاده از نرم افزار (SPSS) مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. روش نمونه گیری این تحقیق، از نوع نمونه گیری خوشه ای نسبی است؛ بدین صورت که ابتدا فهرست کاملی از محلات شهر رشت تهیه شد و در مرحله بعد محلاتی که به لحاظ ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی در یک سطح قرار دارند در درون یک خوشه قرار گرفت و از میان هر خوشه یک محله به عنوان نماینده آن خوشه برگزیده شده و نهایتاً به تناسب جمعیت آن نمونه مورد نظر انتخاب گردید.

**یافته‌ها:** بر پایه تحقیق حاضر مشخص شد که بین متغیرهایی نظیر احساس بی عدالتی، احساس نا امنی، باورهای اخلاقی و متغیر وابسته نظم انسجامی رابطه معناداری وجود دارد. در واقع هر مقدار که بر میزان احساس بی عدالتی و احساس نا امنی افزوده شود به همان اندازه از میزان پایداری به نظم انسجامی در بین شهروندان شهر رشت کاسته می‌شود. همچنین بین متغیر باورهای اخلاقی و پایداری به نظم انسجامی نیز رابطه مثبتی دیده می‌شود.

**نتیجه گیری:** تحقیق فوق به صورت تجربی نشان داد که سه متغیر فوق می‌توانند حدود ۳۶ درصد از کل تغییرات در نظم انسجامی را تبیین کنند. به عبارت دیگر در حدود ۶۴ درصد تغییرات در متغیر وابسته نظم انسجامی از طریق سایر متغیرهای مستقل تعیین خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** نظم انسجامی، باورهای اخلاقی، احساس نا امنی، احساس بی عدالتی

استاد: هزار جریبی، جعفر؛ غلامی، محمد رضا (زمستان، ۱۳۹۳). بررسی جامعه‌شناختی نظم انسجامی. فصلنامه مطالعات مدیریت/انتظامی، ۶(۴)، ۵۲۵-۵۴۶.

۵۴۶-

۱. استاد جامعه شناسی دانشگاه، علامه طباطبایی

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران. (نویسنده مسئول). mgholami2014@yahoo.com

## مقدمه

نظم اجتماعی از جمله واقعیاتی بوده که همواره در تمامی جوامع فارغ از میزان پیچیدگی و پیشرفت آنها در انواع مختلف مورد توجه بوده است.

در این تحقیق منظور از نظم اجتماعی عمدتاً نظم انسجامی<sup>۱</sup> است که معرف گونه‌ای از نظم است که در آن با حفظ تفاوت‌ها و تمایزات نوعی انسجام و همبستگی جمعی برای دستیابی به اهداف مشترک بر پایه خرد جمعی و همکاری بین افراد در فضایی عقلانی و منطقی شکل می‌گیرد، در حالی که در شکل دیگر نظم اجتماعی یعنی نظم انتظامی<sup>۲</sup> تأکید بر قدرت و حاکمیت وجود دارد و گونه‌ای از نظم که از طریق اعمال زور توسط نهادهای سیاسی اعمال می‌شود مورد نظر است.

امروزه شهر رشت با دارا بودن جمعیتی در حدود ۹۱۸۴۴۵ نفر (سرشماری سال ۱۳۹۰) فارغ از میزان توسعه یافتگی اش به یکی از کلان شهرهای ایران بدل شده است. متاثر از ویژگی فرهنگی و اجتماعی ساکنان آن در محلات گوناگون و نیز تنوع قومیتی و نژادی موجود در آن، شاهد انواع رفتارهای مدنی و بعضاً غیر مدنی در این شهر هستیم. در واقع پایبندی به قانون و نظم اجتماعی آن هم از نوع انسجامی آن که یکی از مهم ترین مظاهر بالا بودن سطح فرهنگی شهروندان ساکن درهر شهری است، در نتیجه متفاوت بودن سطح فرهنگی ساکنان محلات مختلف دارای تفاوت خواهد بود. جدا از آنکه پایبندی به نظم می‌تواند در ارزیابی دیگران نسبت به شهروندان یک شهر تأثیر گذار باشد، در ارتباط با عملکرد نهادهای نظامی و انتظامی نیز می‌تواند نتیجه قابل توجهی داشته باشد؛ زیرا در صورت وجود نظم انسجامی در بین ساکنان یک شهر، از میزان نظم انتظامی به همان میزان کاسته خواهد شد. در واقع هر قدر که که پایبندی به نظم در میان شهروندان، درونی و نهادینه شود و با رضایت خاطر صورت گیرد به همان میزان دیگر نیازی به استفاده از عواملی نظیر زور و اعمال فشار از سوی نهادهای نظامی و انتظامی نخواهد بود.

در هر حال هر گونه برنامه‌ریزی از سوی نهادهای نظامی و انتظامی در یک شهر از جمله کلان

1. Integrative Order

2. Regulative Order

شهر رشت به منظور تامین نظم و امنیت نیازمند آن است که تصویر واضح و روشنی از تعهد به نظم انسجامی در مناطق گوناگون شهری وجود داشته باشد. از این‌روست که انجام تحقیق فوق معنادار می‌گردد. در واقع با انجام تحقیقی این‌چنینی در صددم تا اولاً میزان پایبندی شهروندان شهر رشت را به نظم انسجامی مورد واری قرار دهیم تا بتوانیم از این طریق برنامه ریزی‌ها و اقدامات آتی نیروی انتظامی در شهر رشت را هر چه بیشتر مؤثر سازیم، ثانیاً عواملی که شهروندان را مایل و علاقه‌مند به پذیرش نظم انسجامی می‌سازند مشخص کنیم.

## مروری بر منابع تجربی و پژوهش‌های پیشین

### تحقیقات خارجی

۱- مطالعات مربوط به نظم اجتماعی در دنیای غرب با هدف کشف عوامل اصلی تأثیرگذار بر نظم اجتماعی و دستیابی به نوعی تعمیم‌پذیری در این زمینه صورت گرفته است (هاردین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۱۸). در این مطالعات اعتماد اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین عامل تأثیرگذار مطرح شده، به طوری که محور عمده مباحث جدید نظم اجتماعی بر اعتماد اجتماعی و شکل تعمیم‌یافته آن تمرکز دارد و این اعتقاد وجود دارد که مساوات در فرصت‌های اقتصادی و توسعه‌یافتگی جوامع منجر به ایجاد اعتماد بین افراد و نظم اجتماعی می‌شود (جاوالا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۸۵). اوسلینر<sup>۳</sup> معتقد است اعتماد را می‌توان به دو گونه متفاوت دید. نخست اعتمادی که آن را خاص می‌دانیم و ناشی از تجربه فردی است؛ یعنی به فردی اعتماد می‌شود که سابقه خوبی دارد یا تصور ما درباره آن فرد خاص به گونه‌ای مطلوب است و دوم، اعتماد عام یا اخلاقی که به معنی نگرش مثبت به تمامی انسان‌هاست و افراد ناشناس را نیز در بر می‌گیرد (اوسلینر، ۲۰۰۲: ۱۶) و این اعتماد در شکل دوم است که اهمیت خاصی در جوامع امروزی دارد. او در جمع‌بندی پژوهش خود با عنوان «نابرابری، اعتماد و مشارکت مدنی» به بررسی علت مشارکت افراد در جامعه آمریکا پرداخته و به این نتیجه

1. Hardin

2. Javala

3. Uslaner

می‌رسد که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در بی‌اعتمادی بین افراد و نابسامانی در نظم اجتماعی چیزی جز نابرابری و بی‌عدالتی نیست؛ به طوری که احساس نابرابری موجب کاهش اعتماد تعمیم‌یافته و گسستگی اجتماعی می‌شود (همان، ۲۰۰۲: ۲۷). نگاه دقیق به نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که موضوع اعتماد اجتماعی در کانون مباحث مربوط به نظم اجتماعی قرار گرفته است.

۲- از نظر هاردین نیز نظم اجتماعی بر پایه اعتماد بین افراد استوار شده است و اعتماد نیز خود رابطه‌ای سه وجهی بین اعتمادکننده، اعتمادشونده و موضوع مورد اعتماد است. اگر فردی در جامعه احساس کند دیگران قادرند بخشی از دارایی او را تصاحب کنند و در انجام این عمل نگران پیگیری قانون یا ترس از مجازات نباشند، در این حالت نظم اجتماعی به شدت دچار اختلال خواهد شد؛ در حالی که اگر در جامعه روحیه‌ای در افراد شکل گرفته باشد که در گرفتاری‌ها و معضلات شخصی به یاری یکدیگر بشتابند در این حالت نظم اجتماعی در اوج ثبات و پایداری خواهد بود (هاردین، ۲۰۰۶: ۲۱).

### تحقیقات داخلی

۱- تحلیل عوامل مؤثر بر ساماندهی نظم در شهر تهران و راهکارهای اجرایی آن (مطالعه شهرهای تهران، لندن و بمبئی) عنوان رساله دکتری آقای محمد مهدی لیبی است که در سال ۱۳۹۰ در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی به راهنمایی مرحوم دکتر محمد عبداللهی و دکتر محمد رضا جوادی یگانه از آن دفاع گردیده است. هدف تحقیق در این رساله مقایسه تطبیقی سه شهر تهران، لندن و بمبئی در زمینه عوامل مؤثر بر ساماندهی نظم بوده است. یافته‌های تحقیق فوق نشان می‌دهند که در تهران خانواده گرایی بر خلاف دو شهر دیگر به عنوان عاملی نیرومند و اثرگذار نقش مهمی در نظم اجتماعی دارد. اگر چه تهران از نظر بسیاری از ویژگی‌ها متفاوت از شهرهایی مانند لندن و بمبئی است، اما از آنجا که باورهای دینی مردم نقش مهم و تأثیرگذاری در زندگی آنان دارد برای استمرار و تداوم نظم اجتماعی می‌توان با بهره‌گیری از باورها و همسو ساختن آنها در جهت اهداف کلی جامعه زمینه لازم برای پیشرفت‌های بیشتر فراهم نمود (لیبی، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

۲- خدیجه سفیری در پژوهشی تحت عنوان «نقش نهادهای غیردولتی محله‌ای در تأمین امنیت

اجتماعی شهر تهران» نشان می‌دهد احساس ناامنی در مورد کودکان از نگرانی‌های خانواده‌های تهرانی است و بر کاهش اعتماد آنان نسبت به دیگران اثری مستقیم دارد (سفیری، ۱۳۸۷: ۷۴).

۳- محمدعلی قاسمی در تحلیل نظم اجتماعی و در مقاله‌ای با عنوان «اعتماد و نظم اجتماعی» بر این باور است که بنیان نظم اجتماعی را باید در وجود یا عدم وجود اعتماد جستجو کرد؛ به طوری که اگر فرد بنا بر عادت تنها به گروه خاصی از افراد اعتماد داشته باشد (خانواده، خویشاوندان، دوستان، همکاران) این نوع اعتماد تأثیر مثبتی در ایجاد نظم اجتماعی فراگیر ندارد، در حالی که اگر اعتماد او برخاسته از نگرش مثبت به انسان و حالتی فلسفی داشته باشد، نقش مهمی در انسجام و نظم اجتماعی ایفا می‌کند (قاسمی، ۱۳۸۴: ۴۵).

در مجموع می‌توان گفت که تقریباً در تمامی تحقیقات صورت گرفته در باب نظم اجتماعی، اعتماد به عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های نظم انسجامی در نظر گرفته شده است. بر پایه تحقیقات فوق می‌توان گفت که بی‌عدالتی از جمله متغیرهای تأثیرگذار است که تأثیر انکارناپذیری در گرایش به نظم انسجامی می‌تواند داشته باشد. اما با این وصف در هیچ‌کدام از تحقیقات انجام شده فوق به نهادهای موجود در جامعه مدنی و نقش آنها در ایجاد نظم و ثبات (از منظری که در این تحقیق بدان نگریده شده) توجه نشده است.

## مبانی نظری تحقیق

### امیل دورکیم

یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی که غالباً از دیدگاه‌های وی به منظور طراحی یک چهارچوب نظری مناسب برای تشریح سازوکارهای حفظ نظم در جامعه استفاده می‌شود، امیل دورکیم است. از مهم‌ترین عواملی که دورکیم به مدد آن مقوله نظم اجتماعی را تشریح می‌کند، تقسیم کار است. به نظر وی تقسیم کار در گذشته بر اساس تشابه فعالیت‌ها صورت می‌گرفت، در حالی که در جامعه جدید بر تفاوت فعالیت‌ها و تخصصی شدن امور مبتنی است (دورکیم، ۱۳۶۹: ۴۵).

به باور دورکیم «به موازات پیشرفت در تکامل، پیوندهای فرد با خانواده، با سرزمین پدری، با

سنن بازمانده از گذشته و با عادات جمعی گروه سست تر می‌شوند» (دورکیم، ۱۳۶۹: ۴۲۷)، همچنین به نظر وی امروزه به علت از دست رفتن ارزش‌ها، سنت‌ها و اخلاق موجود در جوامع قدیمی، اخلاق دچار بحران ترسناکی شده است (دورکیم، ۱۳۶۹: ۴۳۵). از سوی دیگر دورکیم نشان می‌دهد که وابستگی‌های سنتی و هویتی پیشین در جوامع کنونی به تدریج در حال نابودی اند. پیامد چنین پدیده‌ای از میان رفتن نظم اجتماعی است. دورکیم معتقد است حکومت یا نهادهای دیگر قادر نیستند نظم اجتماعی را تضمین کنند. تداوم و حفظ نظم در جامعه مستلزم وجود گروه‌های ثانوی میان دولت و افراد جامعه است که دورکیم آنها را «گروه‌های حرفه‌ای» یا «اصناف» می‌نامد. از طرف دیگر، دورکیم بقای جامعه یا نظم اجتماعی را اساساً امری وابسته به اخلاق می‌داند و امر اخلاقی را سرچشمه همبستگی می‌داند (دورکیم، ۱۳۶۹: ۴۲۵ و ۳۷-۳۳). به نظر دورکیم مذهب مانند گذشته قادر به پیوند دادن فرد به گروه نیست و به همین دلیل باید گروه‌های حرفه‌ای یا صنفی در جامعه جدید مسئول ایجاد نظم اجتماعی باشند. به عبارتی دورکیم معتقد است در حالی که وجدان جمعی عامل همبستگی و نظم اجتماعی در جوامع سنتی است، این وظیفه در جوامع نوین توسط اخلاق حرفه‌ای انجام می‌شود. در واقع وجدان جمعی به اجزای کوچک‌تری تقسیم می‌شود و مجموع آنها موجب نظم انسجامی در جامعه است.

### لویی آلتوسر

می‌توان از ایدئولوژی به عنوان مهم‌ترین عنصر مرتبط با مقوله نظم در نظریه آلتوسر یاد کرد. نظریه آلتوسر در باره ایدئولوژی و بازتولید دولت بیشتر در مقاله مشهور او با نام ایدئولوژی و دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت (۱۹۷۱) مطرح شده است که در آن به چگونگی تکوین ذهنیت افراد در جامعه سرمایه داری می‌پردازد.

بر پایه نظریه آلتوسر تداوم اطاعت و پیروی از قواعد نظم موجود به مدد بازتولید مناسبات تولید صورت می‌گیرد. آلتوسر برای تحلیل این سطح از بازتولید نه فقط میان دستگاه‌های دولت و قدرت دولت، بلکه میان دستگاه‌های اجبار دولت<sup>۱</sup> و دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت<sup>۲</sup> تمایز قائل

1. Repressive State Apparatus

2. Ideological State Apparatus

می‌شود. دستگاه‌های اجبار دولت شامل حکومت، ادارات، ارتش، پلیس، دادگاه‌ها و زندان‌ها هستند؛ اما دستگاه‌های ایدئولوژیک دستگاه‌های خاصی اند که در نگاه اول نهادهایی تخصصی و مجزا از دستگاه‌های دولت به نظر می‌رسند. این دستگاه‌ها عبارت‌اند از:

دستگاه‌های مذهبی (نظام کلیساهای مختلف)، دستگاه‌های آموزشی (نظام آموزشی خصوصی و دولتی)، دستگاه خانواده، دستگاه حقوقی، دستگاه‌های مربوط به نظام سیاسی (شامل احزاب مختلف)، اتحادیه‌های تجاری، رسانه‌های ارتباط جمعی (روزنامه، رادیو و تلویزیون و...) و دستگاه‌های فرهنگی (ادبیات، هنر، ورزش و...) (آلتوسر، ۱۹۷۱: ۱۴۳).

به عبارتی در دیدگاه آلتوسر دو نوع دستگاه‌های اجبار دولت و دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت دلالت بر دو نوع شیوه اعمال نظم در جامعه دارد: دستگاه‌های اجبار دلالت بر اعمال نظم انتظامی و دستگاه‌های ایدئولوژیک دلالت بر اعمال نظم انسجامی دارند. در واقع بر پایه نظریه آلتوسر امروزه دولت‌ها برای اعمال نظم انسجامی بیش از هر چیزی نیازمند کارایی مطلوب دستگاه‌هایی نظیر مسجد، مدارس، دانشگاه‌ها، خانواده، نهادهای حقوقی و قضایی، احزاب، اتحادیه‌های تجاری، روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون و دستگاه‌های فرهنگی نظیر ادبیات، هنر، ورزش هستند.

### آنتونیو گرامشی

اندیشه‌های گرامشی به طور کلی در چهارچوب مارکسیسم فلسفی و هگل‌گرا قابل تفسیر است. بر خلاف مارکسیست‌های ارتدوکس معتقد بود که مهم‌ترین موانع انقلاب، موانع فکری، فلسفی و ذهنی است نه موانع عینی و اقتصادی.

هژمونی یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که کل دستگاه نظری گرامشی بر پایه آن قرار گرفته است. مفهوم هژمونی برای نخستین بار از سوی گرامشی در سال ۱۹۲۶ در اثرش تحت عنوان یادداشت‌هایی درباره مسئله جنوب ظاهر گردید. با این‌همه هنوز در این مرحله نوع تلقی لنینی از هژمونی یعنی رهبری پرولتاریا بر دهقانان، در نزد گرامشی دیده می‌شود. در این تلقی، هژمونی با رهبری سیاسی گره می‌خورد. تنها در کتاب «یادداشت‌های زندان» بود که هژمونی شناخته شده با نام گرامشی مطرح می‌شود. در این تلقی است که هژمونی ورای ایده ساده ائتلاف طبقاتی مطرح می‌شود و رهبری سیاسی با رهبری روشنفکری و اخلاقی گره می‌خورد.

در کتاب یادداشت‌های زندان، مفهوم هژمونی با یک نوع نوآوری دیده می‌شود: گرامشی دیگر هژمونی را به عنوان راهبرد طبقه کارگر به کار نمی‌برد، بلکه آن را به منظور بررسی عملکرد طبقه حاکم مورد استفاده قرار می‌دهد. از نظر گرامشی، یک طبقه به دو شیوه سلطه دارد: از یک سو بر طبقات ائتلافی حکومت می‌کند؛ و از سوی دیگر بر طبقات مخالف مسلط است. وی در هنگام بحث درباره ائتلاف طبقات به بحث در مورد هژمونی می‌پردازد. در سراسر کتاب یادداشت‌های زندان عبارات بی‌شماری در مورد هژمونی وجود دارد. در این کتاب بود که گرامشی تلقی دولت به عنوان یک دستگاه بوروکراتیک مبتنی بر اجبار که در اختیار طبقه مسلط است را از بین برد و مفهوم دولت یکپارچه<sup>۱</sup> را که شامل دیکتاتوری و هژمونی است، مطرح ساخت (گرامشی<sup>۲</sup>، ۱۹۷۱: ۱۲۳).

گرامشی مفهوم هژمونی را از کاربردهای اولیه اش در مورد دیدگاههای طبقه کارگر در یک انقلاب بورژوازی علیه نظم فئودالی گرفته تا سازوکارهای حکومت بورژوازی بر طبقه کارگر در یک جامعه سرمایه داری با ثبات را گسترش دهد (آندرسون<sup>۳</sup>، ۱۹۷۶: ۲۰۶).

از نظر گرامشی براندازی موفقیت آمیز بورژوازی بستگی به ارائه یک تحلیل دقیق از مسئله چگونگی حفظ قدرت طبقه بورژوازی دارد. بدین منظور گرامشی از اندیشه محدود هژمونی در نزد لنین و دیگران که از آن به منظور توصیف چگونگی حفظ همبستگی در بین طبقه کارگر استفاده می‌کردند، فراتر می‌رود. از این منظر، هژمونی در ارتباط با مفهوم جنگ موقعیت مطرح می‌شود. به یک معنا مفهوم هژمونی در نقطه مقابل کنترل اجباری، بر کنترل اجتماعی اشاره دارد.

گرامشی از مفهوم هژمونی به منظور توصیف حالات و شیوه‌های گوناگون کنترل در دسترس گروه اجتماعی مسلط نیز استفاده می‌نماید. وی بین کنترل اجباری که در واقع کنترل از طریق اعمال اجبار مستقیم یا تهدید به استفاده از زور است و کنترل اجتماعی<sup>۴</sup> که در طی آن افراد از روی میل و رغبت، خودشان را با جهان بینی و هژمونی گروه مسلط همسان می‌سازند، تمایز قائل

---

1. Integral

2. Gramsci

3. Anderson

4. Consensual control



می‌شود. وی سپس به بحث دربارهٔ نهادها و فعالیت‌هایی می‌پردازد که از طریق آنها این دو شکل اساسی از کنترل (کنترل اجباری و کنترل اجتماعی) اعمال می‌شود. اجبار در بهترین شکلش از طریق نهادهای سرکوبگری نظیر دولت، خصوصاً ارتش، پلیس و نظام جزایی اعمال می‌شود؛ در حالی که رضایت<sup>۱</sup> به شیوهٔ ذهنی و از طریق نهادهای جامعهٔ مدنی نظیر کلیسا، نظام آموزشی و خانواده اعمال می‌گردد.

گرامشی علاوه بر بحث دربارهٔ هژمونی به بررسی سازوکارهای ایجاد آن در جامعه نیز می‌پردازد. این امر ما را به دیدگاه نظری گرامشی درباره روشنفکران رهنمون می‌سازد (فمیا، ۱۹۷۸: ۱۳۰). گرامشی اعتقاد داشت که فعالیت روشنفکران سازمانی برای تدارک عقاید هژمونیک اساسی است. این روشنفکران که در صدد تحکیم ایدئولوژی مسلط هستند از طریق نهادهایی عمل می‌کنند که جایگاه آنها در جامعه مدنی است. مطبوعات و اساساً، کل صنعت نشر، کتابخانه‌ها، مدارس، انجمن‌ها و کلوپ‌ها را می‌توان در زمرهٔ این‌گونه نهادها قرار داد. به نظر گرامشی همه این نهادها ساختار مادی ایدئولوژی اند(باتی گیگ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵: ۸۴) که در نهایت در خدمت نشر و گسترش ایدئولوژی طبقه یا طبقات هژمونیک قرار می‌گیرند.

در واقع هژمونی در نظریه گرامشی دلالت بر همسو ساختن افراد و گروه‌های مختلف در جامعه با کسب رضایت و همدلی آنها دارد. این تلقی از حفظ نظم در جامعه تا حدود زیادی بیش از اینکه همسو با بار معنایی نظم انتظامی باشد به مقوله نظم انسجامی نزدیک است.

#### تالکوت پارسونز<sup>۴</sup>

پارسونز به عنوان یکی از برجسته‌ترین نظریه پردازان نظم در دوره معاصر، نظریه اجتماعی را کوششی برای پاسخ به این سوال می‌داند که «نظم اجتماعی چگونه امکان پذیر است؟» (کرایب<sup>۵</sup>، ۱۳۷۸: ۵۴). از منظر پارسونز نظام اجتماعی الگوی تعاملی است برآمده از نقش‌ها، پایگاه‌ها، انتظارات

- 
1. Consent
  2. Femia
  3. Buttigieg
  4. Talcott Parsons
  5. Craib

و هنجارهای اجتماعی در عرصه‌های مختلفی نظیر خانواده، حزب، بازار، دانشگاه، و ... است (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۱۲۳). در واقع تأکید پارسونز همواره بر ثبات و نظم است و در حقیقت نظریه اجتماعی از منظر وی کوششی است برای پاسخ به این سؤال که «نظم اجتماعی چگونه امکان‌پذیر است؟». به گمان وی وظیفه نظریه جامعه‌شناختی، بررسی نظام اجتماعی از یک دیدگاه تحلیلی خاص است که بر نهاده‌شدن الگوهای جهت‌گیری ارزشی در زمینه نقش‌ها متمرکز است (همیلتون، ۱۳۷۹: ۱۲۱).

پارسونز چهار نوع خرده‌نظام اجتماعی متفاوت (به‌لحاظ تحلیلی) و در عین حال مرتبط با یکدیگر را برای جامعه قائل می‌شود. وی برای خرده‌نظام‌های اجتماعی الگویی بین مبادله‌ای معرفی می‌کند که آن را آجیل (AGIL) می‌خواند. او در این مدل برای هر خرده‌نظام یک کارکرد در نظر می‌گیرد که برای حفظ و بقای یک نظام اجتماعی لازم است (اسمیت<sup>۲</sup>، ۱۳۸۳: ۵۷). پارسونز آنها را ضرورت‌های کارکردی می‌نامد. این چهار خرده‌نظام و کارکردشان عبارت‌اند از:

الف) خرده‌نظام زیستی (در سطح بالاتر و کلی‌تر: خرده‌نظام اقتصادی): کارکردش تطابق با محیط<sup>۳</sup> است.

ب) خرده‌نظام شخصیتی (در سطح بالاتر و کلی‌تر: خرده‌نظام سیاسی): کارکردش دستیابی به هدف<sup>۴</sup> است.

ج) خرده‌نظام فرهنگی؛ کارکردش حفظ الگوها<sup>۵</sup> است؛ که از طریق مدرسه و خانواده در جهت بیان و انتقال فرهنگ و باورهای جامعه به افراد عمل می‌کند.

د) خرده‌نظام اجتماعی؛ کارکرد یکپارچگی<sup>۶</sup> را بر عهده دارد؛ یعنی از طریق قوانین و عرف و عادات به همبستگی بین عناصر متعدد اجتماعی می‌انجامد (کرایب، ۱۳۷۸: ۵۹، آزاد ارمکی، ۱۳۷۶: ۱۰۲).

- 
1. Hamilton
  2. smith
  3. Adaption
  4. Goal Attainment
  5. LatentPattern Maintenance
  6. Integration

در دیدگاه نظری پارسونز نزدیک ترین معادل برای عنوان همبستگی، یکپارچگی است. یکپارچگی مورد نظر پارسونز از نوع یکپارچگی هنجاری<sup>۱</sup> است. طبق نظریه پارسونز یک چنین یکپارچگی هنگامی حاصل می‌شود که عناصر محوری نظام فرهنگی یعنی ارزشهای مشترک جامعه، در عناصر ساختاری نظام اجتماعی نهادینه شده باشند. این نوع از یکپارچگی در سه سطح (اشخاص، اجتماعات و نقشها) رخ می‌دهد (رابرت آنجل، ۱۹۶۸: ۳۸۲).

اگر خرده‌نظام‌های اجتماعی در تولید کارکرد خویش دچار اختلال شوند، تنش بروز می‌کند و اگر خرده‌نظام‌های اجتماعی در مبادله تولیدات کارکردی خود مختل عمل کنند، بحران رخ می‌نماید. (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۱۲۴). سازمان درونی جامعه را در مدل سیستمی پارسونز بر اساس چهار خرده‌نظام فوق می‌توان تحلیل کرد. به نظر وی در یک جامعه نظیر هر نظام کنشی، خرده‌نظام‌ها در عین خودمختاری، متقابلاً به یکدیگر وابسته و متکی‌اند (توسلی، ۱۳۷۶: ۲۵۲). از پارسونز خرده‌نظام‌های چهارگانه در یک رابطه عمودی از بالا به پایین و از پایین به بالا با یکدیگر در ارتباط هستند. ارتباط از بالا به پایین بر کنترل اطلاعات مبتنی است. نظام‌هایی که در سطح بالاتری قرار دارند تسلط بر دیگر نظام‌ها داشته و بقیه را کنترل می‌کنند. از طرف دیگر رابطه از پایین به بالا بر اساس انرژی است. هر نظامی که در پایین‌ترین سطح قرار دارد، دارای انرژی بیشتری است و بالاترین نظام دارای کمترین انرژی است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶: ۱۰۲). بنابراین نظام اجتماعی مانند هر نظام فعالی محل مبادله و گردش بی‌وقفه انرژی و اطلاعات است (روشه، ۱۳۷۶: ۸۸). پارسونز به این چرخه (کنترل هر نظام به وسیله خرده‌نظامی که در بالاترین سطح اطلاعات و پایین‌ترین سطح انرژی واقع است) سایبرنتیک می‌گوید (کرایب، ۱۳۷۸: ۶۳).

در مجموع مهم‌ترین نوع همبستگی مطرح در نظریات پارسونز همبستگی هنجاری است. عنصر اصلی همبستگی هنجاری، ارزش‌های عمومی مورد پذیرش تمامی اعضای جامعه است. به نظر پارسونز به منظور حفظ این ارزش‌ها و کسب اهداف عمومی، سازمان‌هایی باید بر اساس این ارزش‌ها شکل بگیرند و هماهنگ با هنجارهای مورد پذیرش فعالیت نمایند. پارسونز در معنای

محدود کلمه، مشکل اساسی نظم اجتماعی را عمدتاً در بُعد انسجامی می‌بیند. او هسته اصلی مسئله نظم را در کمّ و کیف انسجام هنجاری می‌بیند که مبتنی بر اصول مشترک ارزشی در جامعه است.

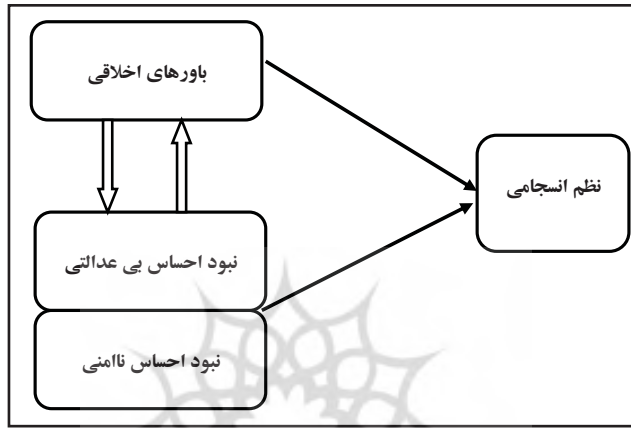
### چارچوب نظری

در این تحقیق به نظر می‌رسد که با تلفیق دیدگاه‌های آلتوسر و گرامشی و پارسونز بتوان به یک چارچوب نظری مناسبی برای پشتیبانی از سؤالات و فرضیات تحقیق فراهم ساخت. در نگاه اول تلفیق این سه دسته از نظریات با مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی مختلف غریب به نظر می‌رسند اما ماهیت موضوع تحقیق و کاربردی بودن آن از یک سو و اینکه غالب نظریات تلفیقی جدید در این سو در حال حرکت هستند، امر فوق را به لحاظ نظری امکان‌پذیر می‌سازد. در این تحقیق نه تنها مؤلفه‌های نظم انسجامی به عنوان متغیر وابسته مورد توجه قرار خواهند گرفت بلکه عوامل سیاسی و فرهنگی تأثیرگذار بر درونی ساختن و پذیرش نظم به گونه‌ای که نیاز به اعمال زور و فشار از سوی نهادهای اعمال‌کننده قدرت نظیر پلیس نباشد نیز مورد توجه خواهند بود.

به عبارتی هر قدر که دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت از طریق روشنفکران ارگانیک زمینه ادغام شهروندان را فراهم سازند و باعث زدودن احساس ناامنی و بی‌عدالتی در جامعه گردند و نیز هر قدر که باورهای اخلاقی مدنی در بین شهروندان درونی‌تر گردد در آن صورت زمینه‌های تداوم و پایداری نظم انسجامی و پایبندی به آن در بین شهروندان بیشتر فراهم خواهد شد. گرامشی اعتقاد داشت که فعالیت روشنفکران ارگانیک برای تدارک عقاید هژمونیک اساسی است. این روشنفکران که در صدد تحکیم ایدئولوژی مسلط هستند از طریق نهادهایی عمل می‌کنند که جایگاه آنها در جامعه مدنی است. مطبوعات و اساساً، کل صنعت نشر، کتابخانه‌ها، مدارس، انجمن‌ها و کلوپ‌ها را می‌توان در زمره این‌گونه نهادها قرار داد. گرامشی از این نهادها تحت عنوان ساختار مادی ایدئولوژی نام می‌برد. در واقع این روشنفکران ارگانیک هستند که از طریق دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت یعنی رسانه‌های جمعی رسمی و به خصوص نظام آموزشی رسمی و مدرسه، زمینه درونی ساختن پایبندی و تعهد به نظم را در بین شهروندان فراهم خواهد ساخت. در

چنین شرایطی شهروندان با رضایت و طیب خاطر و بدون نیاز به یک عامل فشار و اجبار بیرونی (پلیس) نسبت به نظم وفادار خواهند بود و نسبت به آن تعهد خواهند داشت.

### مدل نظری تحقیق



### فرضیات تحقیق

- به نظر می‌رسد بین میزان احساس بی عدالتی در افراد و گرایش آنان به نظم انسجامی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان احساس ناامنی در افراد و گرایش آنان به نظم انسجامی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین باورهای اخلاقی افراد و گرایش آنان به نظم انسجامی رابطه معناداری وجود دارد.

### روش

در این پژوهش، از روش تحقیق پیمایشی استفاده شده است. همچنین جامعه آماری تحقیق فوق را کلیه شهروندان شهر رشت تشکیل می‌دهد. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت شهر مزبور ۶۴۰۰۰۰ نفر است. در این تحقیق حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین شده است.

$$N = \frac{N(1/96)^2 p.q}{N(1/96)^2 + (0/0.5)^2 (p.q)} = 384$$

$\frac{640000(3,84)(0/5)(0/5)}{640000(0/0.025) + (3/84)(0/25)}$

روش نمونه گیری این تحقیق، از نوع نمونه گیری خوشه ای نسبی است؛ بدین صورت که ابتدا لیست کاملی از محلات شهر رشت تهیه شده و در مرحله بعد محلاتی که به لحاظ ویژگی های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی در یک سطح قرار دارند در درون یک خوشه قرار می گیرند و از میان هر خوشه یک محله به عنوان نماینده آن خوشه برگزیده شده و نهایتاً به تناسب جمعیت نمونه مورد نظر انتخاب می شود. در تحقیق فوق به منظور گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده می شود.

### بررسی شاخص های تحقیق

جدول ۱: بررسی قابلیت ابزار سنجش (طیف ها) مورد استفاده در پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

شاخص ها	ضریب الفای کرونباخ
باورهای اخلاقی	۰/۷۵۰
نبود احساس بی عدالتی	۰/۷۳۶
نبود احساس ناامنی	۰/۷۶۰
نظم انسجامی	۰/۷۹۲
میزان التزام به قانون	۰/۷۵۵
میزان اعتماد به دیگران	۰/۷۴۳
میزان پرهیز از اعمال خشونت نسبت به دیگران	۰/۷۶۲
رعایت حقوق سایر شهروندان	۰/۸۲۰

همان طور که در جدول (۱) مشخص است میزان آلفای کرونباخ به دست آمده برای همه شاخص های تحقیق بزرگ تر از ۰/۷۰ است که قابل قبول بوده و این موضوع نشان دهنده همبستگی درونی بین متغیرها برای سنجش مفاهیم مورد نظر است، بدین ترتیب می توان گفت که تحقیق از قابلیت اعتماد و یا پایایی لازم برخوردار است.

### شاخص روایی

برای بررسی اعتبار محتوایی ابزار اندازه گیری از نظرهای کارشناسان استفاده شده است. در ضمن

پرسشنامه ابتدا به صورت pre-test در بین سی نفر از پاسخگویان به صورت تصادفی توزیع و برخی از سؤالاتی که دارای ابهام بودند، اصلاح گردید. لذا می‌توان پذیرفت که پرسشنامه نیز دارای اعتبار صوری است.

### واحد تحلیل

به منظور بررسی سؤالات تحقیق و رسیدن به اهداف تحقیق، از فرد به عنوان واحد تحلیل استفاده می‌شود.

## تعاریف نظری متغیرها

### نظم انسجامی

این متغیر از طریق شاخص‌هایی نظیر التزام به قانون، پرهیز از اعمال خشونت نسبت به دیگران، رعایت حقوق شهروندان و اعتماد به دیگران سنجیده شده است. گرایش به نظم انسجامی، به معنی التزام درونی فرد به رعایت حقوق سایر شهروندان، اعتماد به دیگران، پرهیز از اعمال خشونت نسبت به دیگران و در نهایت التزام به قانون است (لسیبی، ۱۳۹۰: ۵).

### احساس بی‌عدالتی

احساس بی‌عدالتی باوری است که بر رفتار افراد (شهروندان) مؤثر واقع می‌شود و به عنوان یک عامل توجیه‌کننده، تخطی از قواعد و قوانین موجود را مجاز می‌شمرد (نبی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

### باورهای اخلاقی

باورهای اخلاقی ارزش‌های جهان‌شمولی هستند که بر قواعد زندگی جمعی و در تعاملات روزمره افراد با یکدیگر حاکم اند (ایمان، ۱۳۹۰: ۶۵).

### احساس ناامنی

احساس ناامنی به حالتی گفته می‌شود که فرد در آن ثبات لازم برای انجام امور زندگی روزمره خود را نداشته و نسبت به آینده و اتفاقات و وقایع محتمل آن حالتی از بدبینی دارد (صارمی، ۱۳۸۹: ۲۸).

## یافته‌ها

### بررسی فرضیات تحقیق

فرضیه اول: بین میزان احساس بی عدالتی در افراد و گرایش آنان به نظم انسجامی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۲: ضریب همبستگی بین احساس بی عدالتی و گرایش آنان به نظم انسجامی

متغیرها	تعداد	میزان ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه
احساس بی عدالتی و گرایش به نظم انسجامی	۴۰۰	-۰/۲۵۹	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه

با توجه به نتایج جدول (۲) مشاهده می‌شود که سطح معناداری کمتر از پنج صدم است، به همین دلیل با اطمینان ۹۵ درصد فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$  تایید می‌شود و این رابطه معنادار است. همچنین بر اساس این جدول می‌توان گفت شدت همبستگی بین دو متغیر احساس بی عدالتی و گرایش به نظم انسجامی ۲۵/۹ درصد است که این بیانگر رابطه معکوس بین دو متغیر است. این مسئله بدین معنی است که با کاهش احساس بی عدالتی در سطح افراد، گرایش به نظم انسجامی افزایش می‌یابد.

جدول ۳: آزمون رگرسیون بین احساس بی عدالتی و نظم انسجامی

مقدار R	ضریب تعیین	ضریب بتا	مقدار ثابت	سطح معناداری
۲۵/۹ درصد	۱۱/۷ درصد	-۰/۱۸۶	۴/۱۰۹	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول (۳) مشاهده می‌شود که سطح معناداری که کمتر از پنج صدم است، بین دو متغیر احساس بی عدالتی و نظم انسجامی در سطح ۹۵ درصد رابطه معنادار است؛ شدت این رابطه برابر ۲۵/۹ درصد است. برای تعیین جهت این تأثیر با توجه به ضریب بتا مشاهده می‌شود که این تأثیر معکوس و منفی است. از سویی ضریب تعیین در این فرضیه برابر با ۰/۱۱۷ است؛ یعنی متغیر مستقل قریب به ۱۲ درصد تغییرات متغیر وابسته را می‌تواند پیش بینی کند.



پس می‌توان مدل رگرسیون را به شکل زیر نوشت:

$$Y = -0.186 + 1.09/4$$

فرضیه دوم: بین میزان احساس ناامنی در افراد و گرایش آنان به نظم انسجامی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۴: ضریب همبستگی بین احساس ناامنی و گرایش آنان به نظم انسجامی

نتیجه	سطح معناداری	میزان ضریب همبستگی	تعداد	متغیرها
تأیید فرضیه	۰/۰۰۰	-۰/۲۶۷	۴۰۰	احساس ناامنی و گرایش به نظم انسجامی

با توجه به نتایج جدول (۴) مشاهده می‌شود که سطح معناداری کمتر از پنج صدم است، به همین دلیل با اطمینان ۹۵ درصد فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$  تأیید می‌شود و این رابطه معنادار است. همچنین بر اساس این جدول می‌توان گفت شدت همبستگی بین دو متغیر احساس ناامنی و گرایش به نظم انسجامی ۲۶/۷ درصد است که بیانگر رابطه معکوس بین دو متغیر است؛ بدین معنی که با کاهش احساس ناامنی در افراد، نظم انسجامی آنها افزایش می‌یابد.

جدول ۵: آزمون رگرسیون بین احساس ناامنی و نظم انسجامی

سطح معناداری	مقدار ثابت	ضریب بتا	ضریب تعیین	مقدار R	
۰/۰۰۰	۳/۰۳۳	-۰/۱۰۴	۱۰/۲ درصد	۲۶/۷ درصد	احساس ناامنی و نظم انسجامی

با توجه به نتایج جدول (۵) مشاهده می‌شود سطح معناداری که کمتر از پنج صدم است، بین دو متغیر احساس ناامنی و نظم انسجامی در سطح ۹۵ درصد رابطه معنادار است؛ شدت این رابطه برابر ۲۶/۷ درصد است. برای تعیین جهت این تأثیر با توجه به ضریب بتا مشاهده می‌شود که این تأثیر معکوس و منفی است. از سویی ضریب تعیین در این فرضیه برابر با ۱۰/۲ است؛ یعنی متغیر مستقل کمی بیش از ۱۰ درصد تغییرات متغیر وابسته را می‌تواند پیش بینی کند.

پس می‌توان مدل رگرسیون را به شکل زیر نوشت:

$$Y = -0.104 + 3.033$$

فرضیه سوم: بین میزان باورهای اخلاقی افراد و گرایش آنان به نظم انسجامی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۶: ضریب همبستگی بین باورهای اخلاقی افراد و گرایش آنان به نظم انسجامی

متغیرها	تعداد	میزان ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه
باورهای اخلاقی افراد و گرایش به نظم انسجامی	۴۰۰	۰/۴۲۷	۰/۰۰۰	تایید فرضیه

با توجه به نتایج جدول (۶) مشاهده می‌شود سطح معناداری که کمتر از پنج صدم است، به همین دلیل با اطمینان ۹۵ درصد فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$  تأیید می‌شود و این رابطه معنادار است. همچنین بر اساس این جدول می‌توان گفت شدت همبستگی بین دو متغیر باورهای اخلاقی افراد و گرایش به نظم انسجامی ۴۲/۷ درصد است که این بیانگر رابطه مستقیم بین دو متغیر است؛ بدین معنی که با افزایش باورهای اخلاقی در افراد، گرایش آنان به نظم انسجامی افزایش می‌یابد.

جدول ۷: آزمون رگرسیون بین باورهای اخلاقی افراد و نظم انسجامی

مقدار R	ضریب تعیین	ضریب بتا	مقدار ثابت	سطح معناداری
۴۲/۷ درصد	۲۸/۱ درصد	۰/۴۱۴	۱/۶۹۰	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول (۷) مشاهده می‌شود سطح معناداری که کمتر از پنج صدم است، بین دو متغیر احساس ناامنی و نظم انسجامی در سطح ۹۵ درصد رابطه معنادار است؛ شدت این رابطه برابر ۴۲/۷ درصد است. برای تعیین جهت این تأثیر با توجه به ضریب بتا مشاهده می‌شود که این تأثیر مستقیم و مثبت است. از سویی ضریب تعیین در این فرضیه برابر با ۰/۲۸۱ است؛ یعنی متغیر مستقل کمی بیش از ۲۸ درصد تغییرات متغیر وابسته را می‌تواند پیش بینی کند. پس می‌توان مدل رگرسیون را به شکل زیر نوشت:

$$Y = 0/414 + 1/690$$

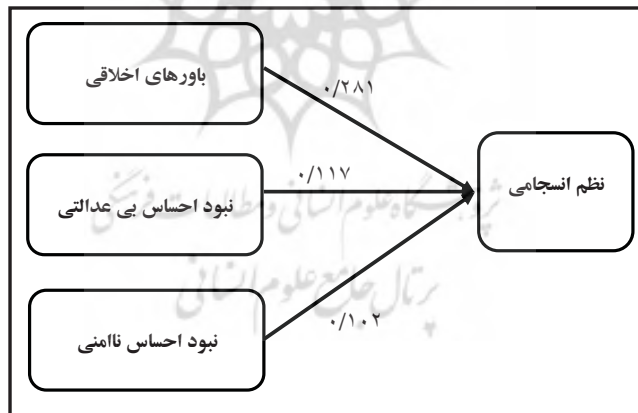
تحلیل رگرسیون چند متغیره

در روش ورود همگانی، همه متغیرها با هم وارد معادله رگرسیون می‌شوند و این روش می‌تواند پیشی بینی تمامی متغیرها را یکجا با هم مورد ارزیابی قرار دهد. در این پژوهش ابتدا، سه متغیر مستقل با هم وارد معادله شده اند، که در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۸: ضرایب رگرسیون چند متغیره به روش همگانی

نام متغیرها	ضریب بتا	ضریب استاندارد S.E	ضریب تعدیل شده بتا	مقدار آزمون t	سطح معناداری t
مقدار ثابت	۲/۲۵۹	۰/۲۰۴		۱۱/۰۷۷	۰/۰۰۰
احساس بی عدالتی	-۰/۲۰۸	۰/۰۳۱	-۰/۲۸۹	۶/۷۹۸	۰/۰۰۰
باورهای اخلاقی	-۰/۴۱۶	۰/۰۴۲	۰/۴۲۹	-۰/۹۵۸	۰/۰۰۰
احساس ناامنی	-۰/۰۶۶	۰/۰۲۰	-۰/۱۴۵	۳/۳۶۵	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول (۸) مشاهده می‌شود ضریب رگرسیون چند متغیری به روش ورود همگانی سه متغیر فوق، به مقدار  $R = ۰/۶۳۹$  در سطح معناداری بیش ۹۹ درصد، ( $F = ۵۴/۱۹۳$ ،  $R^2 = ۰/۰۰۰$  = سطح معناداری) معنادار است. ضریب تعیین به دست آمده،  $R^2 = ۰/۳۵۶$  است و بدین معناست که حدود ۳۶ درصد از کل واریانس نظم انسجامی با این سه متغیر قابل پیشی بینی است و حدود ۶۴ درصد دیگر به سایر متغیرها وابسته است. در عین حال مدل نهایی رگرسیون به شرح زیر است:



## بحث و نتیجه گیری

نظم به عنوان یک واقعیت اجتماعی می‌تواند به دو شکل برقرار گردد: نخست، استفاده از عامل زور و اجبار و به عبارتی نظم انتظامی. دوم، حفظ نظم بر پایه خرد جمعی و همکاری بین افراد در یک فضای عقلانی و منطقی. در چنین شرایطی نظم توسط خود شهروندان و با رضایت خاطر آنها برقرار خواهد شد و حفظ چنین نظمی چندان نیازمند حضور یک عامل بیرونی نیست. این رضایت خاطر

تا حدود زیادی مستلزم فعالیت روشنفکران سازمانی نظام سیاسی است. بر این اساس متغیرهایی نظیر بی عدالتی و ناامنی بیش از اینکه از ماهیت عینی برخوردار باشند، سازه‌هایی ذهنی اند. در واقع مادام که روشنفکران سازمانی عملکرد مطلوبی نداشته باشند، هر قدر هم که در جامعه عدالت و امنیت وجود داشته باشد، باز احساس بی عدالتی و ناامنی به طور کامل زدوده نخواهد شد. در این تحقیق مبانی نظری فوق به عنوان پیش فرض مورد پذیرش قرار گرفته است.

نتیجه تحقیق حاضر نیز نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقلی نظیر احساس بی عدالتی، احساس ناامنی و باورهای اخلاقی و متغیر وابسته «پایبندی به نظم انسجامی» در بین شهروندان شهر رشت رابطه معنا داری وجود دارد.

بر پایه فرضیات فوق هر قدر که احساس بی عدالتی و ناامنی در بین شهروندان کمتر باشد و آنها از باورهای اخلاقی قوی تری برخوردار باشند، بر همان میزان بر پایبندی به نظم انسجامی نیز افزوده خواهد شد. بر پایه چارچوب نظری تحقیق، تغییر در هر کدام از متغیرهای مستقل سه گانه فوق نیازمند کارایی دستگاه‌های ایدئولوژیک و عملکرد روشنفکران سازمانی نظام سیاسی است. به عبارتی صرف نظر از قضاوت‌های ارزشی، هر قدر که روشنفکران سازمانی و دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت بتوانند در اذهان شهروندان رسوخ کرده و احساس ناامنی و بی عدالتی را کاهش دهند و باورهای اخلاقی را از طریق برجسته ساختن وجوه مثبت عملکرد نظام سیاسی و نقد سازنده نقاط ضعف آن تقویت نمایند، زمینه لازم برای درونی ساختن پایبندی به نظم در بین شهروندان ایجاد خواهد شد. در واقع در چنین شرایطی نظم نه از طریق عناصر انتظامی، بلکه به شیوه انسجامی تقویت خواهد گردید.

تحقیق فوق به صورت تجربی نشان می‌دهد که سه متغیر فوق می‌توانند حدود ۳۶ درصد از کل تغییرات در نظم انسجامی را تبیین کنند. به عبارت دیگر در حدود ۶۴ درصد تغییرات در متغیر وابسته نظم انسجامی از طریق سایر متغیرهای مستقل تعیین خواهد شد.

#### پیشنهادهای تحقیق

۱- تلاش در جهت کاهش احساس بی عدالتی در شهروندان از طریق؛

الف- توزیع عادلانه ثروت در جامعه؛

ب- برابری فرصت‌های شغلی؛

ج- برخورد قانونی با متخلفان نظم عمومی؛

د- تلاش در جهت باورپذیر ساختن این موضوع که مسئولان نظام سیاسی از جنس خود مردم بوده، همانند آنها زندگی کرده و عمده‌ترین دغدغه‌شان رفع مشکلات مردم است. در صورت بالفعل شدن این امر، مردم با آموزه‌های تبلیغی از سوی نظام سیاسی با طیب خاطر و علاقه‌مندی قلبی همراه خواهند شد.

۲- تلاش در جهت کاهش احساس ناامنی در شهروندان از طریق:

الف- کاستن از میزان تورم اجتماعی؛ به این معنی که هر قدر گستره رفتارهای غیر قانونی بیشتر باشد به همان اندازه بر میزان تورم اجتماعی افزوده شده و این باعث می‌شود که از میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان کاسته شود و میل و رغبتی برای پایبندی به نظم انسجامی از خود نشان ندهند.

ب- تعامل دو سویه بین نهادهای انتظامی و مردم برای مشخص ساختن مصادیق برهم زنده امنیت اجتماعی.

۳- تلاش در جهت تقویت باورهای اخلاقی جامعه از طریق:

با در نظر داشتن چارچوب نظری می‌توان گفت که چند عامل می‌تواند در تقویت باورهای اخلاقی در بین شهروندان شهر رشت تأثیرگذار باشد:

- پایبندی کامل به اصول اخلاقی و دینی در بین مسئولان؛

- برخورداری مردم از یک شرایط زندگی نسبتاً مناسب.

در چنین صورتی مردم با طیب خاطر اوامر و نواهی مسئولان نظام سیاسی را اجرا خواهند کرد و بستر لازم برای تبدیل شدنشان به یک شهروند دلخواه نظام سیاسی و اجتماعی فراهم خواهد شد.

## منابع

### منابع فارسی

- ۱- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۶) *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سروش.
- ۲- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۳) *درآمدی بر نظریه فرهنگی*. ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۳- امامی، محمد (۱۳۸۸) آثار رعایت حقوق دیگران در اعتدال جامعه. *فصلنامه شکوه*، شماره ۱۰۵، زمستان ۱۳۸۸.

- ۴- ایمان، محمد تقی و دیگران (۱۳۹۰)، معیارهای اخلاقی در پژوهش علوم انسانی. *فصلنامه اخلاق*، شماره ۱۶.
- ۵- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۶) *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سمت.
- ۶- دانایی فرد، حسن و دیگران (۱۳۸۸) قانون گریزی در ایران. *فصلنامه دانش انتظامی*، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۸۸.
- ۷- دورکیم، امیل (۱۳۶۹) *درباره تقسیم کار اجتماعی*. ترجمه باقر پرهام، بابل: کتابسرای بابل.
- ۸- سفیری، خدیجه (۱۳۸۷) نقش نهادهای غیر دولتی محلی در تأمین امنیت اجتماعی شهر تهران. *فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران*، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷.
- ۹- سرشماری سال ۱۳۹۰، مرکز آمار ایران. [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)
- ۱۰- صارمی، حمیدرضا و دیگران (۱۳۸۹) عوامل پیدایش نا امنی در شهرها. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی*، شماره یک، پاییز ۱۳۸۹.
- ۱۱- قاسمی، محمد علی (۱۳۸۴) اعتماد و نظم اجتماعی. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۸۴.
- ۱۲- کرایب، یان (۱۳۸۷) *از پارسونز تا هابرماس*. ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات آگاه.
- ۱۳- لیبی، محمد مهدی (۱۳۹۰) *تحلیل عوامل مؤثر بر ساماندهی نظم در شهر تهران و ارائه راهکارهای اجرایی آن* (مطالعه شهرهای تهران، لندن و بمبئی). رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبائی، به راهنمایی مرحوم دکتر محمد عبداللهی و دکتر محمد رضا جوادی یگانه.
- ۱۴- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۸) *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: جامعه‌شناسان.
- ۱۵- محسنی تبریزی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۰) فضاهای بی دفاع شهری و خشونت. *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۴۴.
- ۱۶- معید فر، سعید (۱۳۹۰) بررسی اعتماد اجتماعی با نگاهی نسلی به جامعه. *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۴۱.
- ۱۷- محسنی تبریزی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۰) فضاهای بی دفاع شهری و خشونت. *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۴۴.
- ۱۸- همیلتون، پیتر (۱۳۷۹) *تالکوت پارسونز*. ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس.

#### منابع خارجی

- 19- Althusser, Louis (1971)., "Ideology and State Ideological Apparatus" in *Lenin and Philosophy and Other Essays* (Trans. Ben Brewster), London: New left Books.
- 20- Anderson, p. (1976)., The Antinimies of Antonio Gramsci, *New left Review*, no.100:5-79.
- 21- Buttigieg Joseph A. (1995)., " Gramsci On Civil Society". *Boundary* 22,3.
- 22- Femia J. (1987)., *Gramsci's Political Thouth: Hegemony, Consciousness, And The revolutionary Process*, Oxford: Clarendon Press.
- 23- Gramsci, Antonio (1971)., *Selection From The Prison Notebooks*, Trans. Quintin Hoare and Geoffrey Nowell Smith, New York: International Publishers.
- 24- Hardin, Russel (2006)., *The street – level Epistemology of Trust*. Oxford University press.
- 25- Jalava, y. (2003)., *From Norms to Trust: The Luhmanian connections between Trust and system*.
- 26- Uslaner, Eric, (2002)., *Moral Foundation of Trust*, Cambridge University. *European Journal of social theory*. Vol 6, No 2, press